

تقدیم به همسر

قلب من که در خانه می‌تپد

وحید



## از افغانستان تا لندنستان

خاطرات جاسوس دستگاه اطلاعات خارجی فرانسه  
در شبکه تکفیری‌های اروپا (در دهه ۹۰ میلادی)

نویسنده: عمر الناصری (ابو امام المغربی)

مترجم: وحید خضاب

.. فهرست ..

۱۱	.. مقدمه مترجم ..
۱۷	.. مقدمه نویسنده ..
	.. صحنه اول ..
	<b>بروکسل .. ۲۱</b>
۲۳	.. فصل ۱: عَمَر ..
۲۵	.. فصل ۲: پاک دنی ..
۳۰	.. فصل ۳: ادوارد ..
۳۶	.. فصل ۴: مغرب ..
۴۴	.. فصل ۵: حکیم ..
۵۳	.. فصل ۶: بلژیک ..
۵۹	.. فصل ۷: لوران ..
۶۵	.. فصل ۸: فشنگ ها ..
۷۱	.. فصل ۹: یوزی ..
۸۰	.. فصل ۱۰: طارق ..

۸۷	فصل ۱۱: سفارتخانه ..
۹۱	فصل ۱۲: ژیل ..
۱۰۰	فصل ۱۳: عکس ها ..
۱۱۰	فصل ۱۴: پرواز شماره ۸۹۶۹ ایرفرانس ..
۱۱۶	فصل ۱۵: بيمتکس ..
۱۲۳	فصل ۱۶: ماشين آبودی ..
۱۳۶	فصل ۱۷: طنجه ..
۱۴۵	فصل ۱۸: سينما ..
۱۵۳	فصل ۱۹: تپیری ..
۱۶۱	فصل ۲۰: تب ..
۱۶۵	فصل ۲۱: عيد فطر ..
۱۷۴	فصل ۲۲: نوولز اوانتيويغ! (nouvelles aventures) ..
۱۷۸	فصل ۲۳: دولمه باهجه (Dolmabahçe) ..

.. صحنه دوم ..

## افغانستان .. ۱۸۷

۱۸۹	فصل ۲۴: پاکستان ..
۱۹۸	فصل ۲۵: تبليغ ..
۲۰۸	فصل ۲۶: ابوانس ..
۲۱۴	فصل ۲۷: پيشاور ..
۲۱۹	فصل ۲۸: ابن الشيخ ..
۲۲۳	فصل ۲۹: يازجويی ..
۲۲۷	فصل ۳۰: مواد شيميايي ..
۲۳۱	فصل ۳۱: چراغ گازی ..
۲۳۶	فصل ۳۲: مرز ..

- ۲۴۲ .. فصل ۳۳: خلدن ..
- ۲۴۸ .. فصل ۳۴: ابوهمام ..
- ۲۵۳ .. فصل ۳۵: ابوسهیل ..
- ۲۶۲ .. فصل ۳۶: شب ..
- ۲۶۸ .. فصل ۳۷: جمعه ..
- ۲۷۵ .. فصل ۳۸: عبدالکریم ..
- ۲۸۳ .. فصل ۳۹: ابوبکر ..
- ۲۹۰ .. فصل ۴۰: مواد منفجره ..
- ۲۹۷ .. فصل ۴۱: آموزش تاکتیکی ..
- ۳۰۴ .. فصل ۴۲: امیر ..
- ۳۱۰ .. فصل ۴۳: تاجیکستان ..
- ۳۱۴ .. فصل ۴۴: عرب ها ..
- ۳۲۳ .. فصل ۴۵: چچن ..
- ۳۳۰ .. فصل ۴۶: نگهبان شب ..
- ۳۳۶ .. فصل ۴۷: جاسوس ..
- ۳۴۰ .. فصل ۴۸: چراغ قوه ..
- ۳۴۷ .. فصل ۴۹: طالبان ..
- ۳۵۲ .. فصل ۵۰: درمانگاه ..
- ۳۶۰ .. فصل ۵۱: اسامه ..
- ۳۶۵ .. فصل ۵۲: گذرگاه خیبر ..
- ۳۷۱ .. فصل ۵۳: دارونما ..
- ۳۷۵ .. فصل ۵۴: ماهیگیری ..
- ۳۷۹ .. فصل ۵۵: ابوجهاد ..
- ۳۸۴ .. فصل ۵۶: سارویی ..
- ۳۸۹ .. فصل ۵۷: افغانی، افغانی ..

۳۹۴	.. فصل ۵۸: اسدالله ..
۳۹۸	.. فصل ۵۹: گاز خردل ..
۴۰۲	.. فصل ۶۰: ابوخیاب ..
۴۰۹	.. فصل ۶۱: جنگ روانی ..
۴۱۵	.. فصل ۶۲: فعالیت تبلیغی ..
۴۲۰	.. فصل ۶۳: سرزمین جهاد، وسیع است ..
۴۲۶	.. فصل ۶۴: عبور از مرز ..
۴۳۱	.. فصل ۶۵: شهر اشباح ..

.. صحنه سوم ..

لندنستان .. ۴۳۹

۴۴۱	.. فصل ۶۶: پل گالاتا ..
۴۴۸	.. فصل ۶۷: تجدید دیدار ..
۴۵۲	.. فصل ۶۸: پاریس ..
۴۵۹	.. فصل ۶۹: لندن ..
۴۶۳	.. فصل ۷۰: ذنبیل ..
۴۶۸	.. فصل ۷۱: ابوقتاده ..
۴۷۲	.. فصل ۷۲: فور فدرز ..
۴۷۶	.. فصل ۷۳: پول ..
۴۸۱	.. فصل ۷۴: پیام ..
۴۸۵	.. فصل ۷۵: ابوحمزه ..
۴۸۹	.. فصل ۷۶: شکار قیمتی ..
۴۹۴	.. فصل ۷۷: [عملیات] تصاحب! ..
۴۹۸	.. فصل ۷۸: پدر معنوی ..
۵۰۱	.. فصل ۷۹: «ف» ..

## ... مقدمه مترجم ...

اصطلاح «گروه‌های تکفیری» برای مردم ما اصطلاحی آشناست، همسایگی ما با افغانستان و عراق و قضایایی که دهه هشتاد شمسی (پیش و پس از اشغال توسط آمریکا) در این دو کشور رخ داد و خصوصا حوادث خون‌بار سوریه باعث شد مردم ما اطلاعاتی درباره این گروه‌ها داشته باشند. ولی بسیاری از آنها، جز القاعده و داعش و جبهه النصره نام گروه دیگری را نمی‌شناسند. حتی شاید بسیاری از افراد کتاب خون‌تر هم گمان کنند حضور گروه‌های تکفیری به همین سه کشور محدود بوده است. از این گذشته، شاید بسیاری اطلاع نداشته باشند که این گروه‌ها پیش از جریان ۱۱ سپتامبر و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی مشغول چه فعالیت‌های گسترده‌ای بوده‌اند. حقیقت این است که گروه‌های تکفیری از ده‌ها سال پیش در نقاط مختلف جهان در تمامی قاره‌ها حضور داشته‌اند، هرچند که به تناسب اوضاع، هر از چندی حضورشان در کشوری پررنگ‌تر بوده است.

حالتی که سوریه در سال‌های اخیر پیدا کرده بود را در نظر بگیرید. این کشور تبدیل به «سرزمین مادر» برخی گروه‌های تکفیری (خصوصا داعش) شده و حتی شبکه‌های آنها در دیگر قاره‌ها نیز سررشته‌اش به آنجا برمی‌گشت. در

دهه ۹۰ میلادی، چیزی شبیه به همین حالت بر وضعیت «الجزایر» منطبق بود. در آن سال‌ها، این کشور پهناور در آتش جنگ داخلی خونینی می‌سوخت و تکفیری‌های تندرو نه تنها در داخل الجزایر بلکه حتی در دیگر نقاط جهان (خصوصاً در اروپای غربی که از نظر جغرافیایی نیز به این کشور نزدیک است) دست به جنایت می‌زدند.<sup>۱</sup> شبکه تکفیری‌ها در اروپا نیز در همین سال‌ها تشکیل شده بود که علاوه بر فعالیت‌های زیرزمینی تروریستی، اقدامات فکری و گسترش تفکر تکفیری را نیز در دستور کار داشت.

از طرف دیگر، شرایط خاصی که در آن زمان بر افغانستان حاکم بود (و می‌توان با اندکی تسامح، آن را ملوک الطوائفی نامید) این کشور را هم به محلی ایده‌آل برای تمرکز و فعالیت‌های پشتیبانی گروه‌های تکفیری تبدیل کرده بود. از دل تحولات همین سال‌ها و با نقش آفرینی فعالان همان گروه‌ها و جریانات بود که بعدها القاعده و خواهرخوانده‌های تکفیری‌اش (در نقاط مختلف جهان) سر برآوردند و فجایع آنها برای آخرت و دنیای خلاق، همچنان ادامه دارد. شناخت آن سال‌ها و فعالیت این گروه‌ها و خصوصاً به دست آوردن تصویری از برخی تکاپوهای آن‌ها در اروپا، مقصدی است که از خواندن کتاب پیش‌رو حاصل خواهد شد.

«از افغانستان تا لندنستان»، خاطرات عمر الناصری (ابوامام المغربی) است، یک جوان اهل مغرب که از کودکی در بلژیک بزرگ شده و بعد از یک زندگی پرفراز و نشیب، به شبکه‌های تکفیری داخل اروپا متصل می‌شود، اما در همان زمان بنا به دلایلی دیگر، به عضویت «دستگاه اطلاعات خارجی فرانسه» (DGSE) نیز درمی‌آید.

کتاب، شرح جذابی است از زندگی پرماجرایی ابوامام، کسی که هم می‌خواست «مجاهد» باشد و هم می‌خواست با «تروریست‌ها» بجنگد؛ کسی

۱. البته در همان سال‌ها، در برخی نقاط دیگر آفریقای شمالی هم تکفیری‌ها فعال بودند که سررشته‌ی برخی از آنها هم به الجزایر یا افغانستان بازمی‌گشت.

که هم از دستگاه‌های اطلاعاتی غربی می‌ترسید، و هم برای نجات جان خود به آنها پناه برده بود. شرح این ارتباطات، ماجراجویی‌ها و خطرات سهمگینی که او از سرگذراننده در این کتاب آمده و در کنار آنها، به تناسب و در لابه‌لای خاطرات، اطلاعاتی نیز دربارهٔ گروه‌ها، اشخاص و حوادث ذکر شده است.

دربارهٔ این کتاب و ترجمهٔ آن چند نکته گفتنی است:

۱. عمر الناصری اسم حقیقی نویسنده نیست و خود در متن کتاب به آن اشاره کرده. اما شاید برای خواننده، این اشکال رخ بنماید که از کجا معلوم چنین کسی وجود خارجی داشته است؟ این سؤال برای مترجم نیز مطرح شد، اما چهار مسئله او را به حقیقی بودن این شخص رهنمون کرد: اول اینکه اطلاعات کتاب، تا حد بسیاری با روایات افراد دیگر از همان صحنه‌ها و فضاها تناسب دارد. همین، احتمال ساختگی بودن آن را کم می‌کند.

دوم اینکه این کتاب در نشر معتبری<sup>۱</sup> منتشر شده و ویراستار خوبی داشته به نام خانم لارا هایمرت.<sup>۲</sup>

سوم اینکه نشریه نیویورک تایمز، پس از انتشار کتاب، مصاحبه‌ای حضوری با عمر الناصری صورت داده و آن را منتشر هم نموده است.<sup>۳</sup> به نظر نمی‌رسد افراد و ناشران و مطبوعات همگی دست به دست هم داده باشند تا شخصیتی خیالی را (که سخنانش دست بر قضا چندان هم به نفع آنها نیست) بیافرینند! چهارمین مسئله هم برمی‌گردد به تجربهٔ قبلی بنده در ترجمهٔ یک کتاب. سال‌ها پیش خاطراتی از شخصی به نام «رمزی» در روزنامه الحیات عربستان

۱. Basic Books

۲. Lara Heinert

۳. Qaeda operative kisses and tells – but is it true?

به این نشانی:

<https://www.nytimes.com/۲۰۰۶/۱۱/۱۶/world/europe/۱۶iht-terror.۳۵۶۸۵۶۴.html>



منتشر شد که آن را در یکی از سایت‌های داخل کشور ترجمه کردم. آن روزها هم رمزی نه نامی داشت، نه نشانی، نه تصویری و نه حتی مؤیدی در حد سه مؤید پیش‌گفته. پس از چندی با همکاری دوست عزیز صمیم بر انتشار آن ترجمه‌ها به صورت کتاب گرفته شد اما در گیر و دار کارهای پیش از انتشار بودیم که یک شبکه تلویزیونی بین‌الملل، با صوت و تصویر از «رمزی» رونمایی کرد و مشخص شد این فرد، واقعا وجود خارجی داشته است.<sup>۱</sup>

اگر هر یک از چهار مطلب بالا، به‌تنهایی نتواند اثباتی باشد بر وجود حقیقی راوی، در کنار هم می‌تواند آماره محکمی را بر وجود او تشکیل دهد.

۲. آنچه در این کتاب آمده عینا از روی چاپ نخست کتاب به زبان انگلیسی ترجمه شده<sup>۱</sup> و حتی یک کلمه از آن در ترجمه حذف نشده است. اگر در کتاب مطلبی هم وجود داشته که از نگاه مترجم غلط بوده، آن را ترجمه کرده و حداکثر آنکه در پاورقی، توضیحی درباره آن آورده است.

۳. در سراسر کتاب هرآنچه داخل قلاب [] آمده و تمام پاورقی‌ها، بدون استثنا متعلق به مترجم است.

۴. چنانکه ملاحظه می‌فرمایید، کتاب «از افغانستان تا لندنستان» جلد نخست از مجموعه کتاب‌هایی است که با عنوان کتاب‌های «اطلاعاتی - امنیتی» در همین انتشارات منتشر خواهد شد. در این مجموعه، هم خاطرات

۱. تفصیل این جریان را در بخش مقدمه مترجم در کتاب «روزی روزگاری القاعده» (نشر نارگل) شرح داده‌ام. خوب است همین‌جا اشاره کنم که کتاب «روزی روزگاری القاعده» در اصل حاصل چند مصاحبه راوی با روزنامه‌الهیات بود و طبیعتاً نمی‌توانست حجیم بالایی داشته باشد و بسیاری از بخش‌های زندگی او ناگفته می‌ماند. اما راوی در همان‌جا وعده داده بود که به‌زودی کتاب خاطرات تفصیلی‌اش را به زبان انگلیسی منتشر خواهد کرد. این کتاب مدتی بعد منتشر شد. من آن کتاب را هم در دست ترجمه دارم و آن‌شاءالله به‌زودی و به‌عنوان یکی از مجلدات مجموعه «کتاب‌های اطلاعاتی - امنیتی» نشر شهید کاظمی منتشر خواهد شد.

۲. مشخصات کامل این چاپ به این قرار است:

INSIDE THE JIHAD, My Life with Al Qaeda, A Spy's Story; by OMAR NASIRI; Published by Basic Books, A Member of the Perseus Books Group; ۲۰۰۶.

وجود خواهد داشت، هم کتب تحقیقی (با صبغه اطلاعاتی-امنیتی)، هم قضایای جریان‌های تکفیری، و هم دیگر جریانات امنیتی.

در خاتمه قدردانی می‌کنم از دوست خوبم محمدامین اکبری آهنگر که با دسترسی‌ها و تخصصی که داشت، نسخه الکترونیک کتاب را از سایت‌های فروش کتاب در خارج از کشور تهیه کرد و به دستم رساند.

همین‌طور باید تشکر کنم از برادر عزیزم محمدعلی شفیعی، که در چند جای کتاب، برای فهم بهتر عبارات مغلق به کمک آمد.

در کنار این دو عزیز، جا دارد از جناب رضا مصطفوی بزرگوار که در نمایشگاه «کتاب دین» شهر مقدس قم، زمینه‌آشنایی این بنده را با نشر شهید کاظمی فراهم آورد، به جد سپاسگزاری کنم.

و دست آخر عمیقاً تشکر می‌کنم از جناب حمید خلیلی، مدیر فهمیده و کاربلد نشر شهید کاظمی، که در طول ترجمه این کتاب در تمامی زمینه‌ها هرآنچه در توان داشت را بی‌ادعا به میدان آورد و در حمایت از این برادر کوچک خود، به معنای حقیقی کلمه سنگ تمام گذاشت. حداقل برکت این کتاب برای این بنده، توفیق آشنایی با این مرد بی‌ریا و خدمتگزار بود که در عرصه نشر امروز، نعمت است.

والحمد لله اولاً و آخراً

وحید خضاب

۲۳ آذر ۱۳۹۷

قم، آشیانه اهل بیت علیهم‌السلام